روایت فضیل و زرارة ناظر به قرائت به مرادف و عدم تنافی آن دو با تعدد قرائات

در مورد این دو روایت من ابتدا یک خلاصه‌ای می‌گویم. بعد هم بعضی از تفصیلات آن را اشاره می‌کنم. برای این‌که از این مباحثه امروز در ذهنتان بماند این‌طور عرض می‌کنم: خدا ان شاالله طول عمر به شما بدهد و همیشه اهل تحقیق و فضل باشید. از این جلسه امروز مباحثه چیزی را می‌گویم که ذهنتان شرطی شود تا هر وقت که بحث می‌کنید و این روایت فضیل و زراره در کافی شریف مطرح شد، این دو مطلب از مباحثه را فوری در کنارش حاضر کنید. اگر این دو را در کنارش حاضر کنید، خیلی عالی است. چون بعداً آدم مطالب یادش می‌رود. چیزهای مختصر، قطعی و روشن و مورد اتفاق همه است. یعنی نتوان در آنها خدشه کرد. این خیلی خوب است. کوتاه باشد و برّا باشد و مورد اختلاف نباشد.

هر وقت این دو روایت؛ روایت فضیل «إن الناس يقولون إن القرآن نزل على سبعة أحرف فقال كذبوا أعداء الله و لكنه نزل على حرف واحد من عند الواحد[1]» و روایت زراره «إن القرآن واحد نزل من عند واحد و لكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة[2]»، هر وقت این دو روایت در جایی مطرح می‌شود، در کنارش این دو نکته‌ای که عرض می‌کنم در ذهنتان باشد. تا می‌خواهید آن جوی که بوده -و واقعاً بعد از قرن یازدهم محو شده بود،ولی در زمان شیخ معلوم بود- را به یاد داشته باشید، به یاد «ابوحنیفه و نمازِ فارسی» بیافتید. سفیان بن عیینه[3] هم هست اما آن چیزی که من عرض می‌کنم قطعیتش مهم است. یعنی می‌گویند از سفیان بن عیینه یک سؤالی کرده‌اند و او هم جوابی داده است؛ یک عبارتی در یک کتاب است. این خیلی فرق می‌کند با فتوای امام اعظم اهل‌سنت؛ فتوا ماندگار است و به تواتر می‌رسد. مخ آن در تاریخ تا الآن کوبیده شده است. الآن که کتب فقهی را باز می‌کنید می‌بینید که حرف می‌زنند. این خیلی اهمیت دارد.

کنار روایت «کذبوا اعداء الله انما هو حرف واحد» یادتان باشد که ابو حنیفه می‌گفت چون سبعة احرف است، ولو عربی بلد هستید اما می‌توانید اختیارا در نماز قرائت را فارسی بخوانید. چرا؟ چون «ان القرآن نزل علی سبعة احرف». فتوایی که الآن موجود است و واضح آشکار است، کنار این حدیث می‌آید. هر وقت گفتند «کذبوا انما هو حرف واحد»، یادتان بیاید که ابو حنیفه می‌گوید که نماز فارسی بخوان. چرا؟ «لقول رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ان القرآن نزل علی سبعة احرف». خب معلوم است که «کذبوا اعداء الله» چیست. شما حدیث سبعة احرف را این‌طور فهمیدید؟! اگر می‌خواهید بگویید که فارسی بخوانیم، می‌گوییم «انما هو حرف واحد». همانی است که خدای متعال نازل کرده. شما حق ندارید نقل به معنا کنید و ترجمه آن را بیاورید.

به گمانم در کتاب مرحوم آقای صدر بود که وقتی میخواستند رابطه بین وضع را توضیح بدهند، میفرمودند «الوضع وه القرن الاکید بین اللفظ و المعنی». شاید در کتاب ایشان بود –حلقه اولی ای جای دیگر بود- که مثال به مارالیای زده بودند. از همان چیزهایی است که طبق فرمایش ایشان در ذهن من مانده است. فرمودند کسی به شهری رفته و آن جا مارالیای گرفته، الآن میگویند برای شما چه دلالت و رابطهای برای هم دارد؟ هیچی. رابطهای ندارد. نه آن شهر دلالتی بر مارالیای دارد و نه مارالیای بر آن شهر دلالت دارد. اما چون این شخص به آن شهر رفته و مارالیای گرفته، تا به او مارالیای را بگویند به یاد آن شهر میافتد. تا اسم شهر را به او بگویند به یاد مارالیای میافتد. میگویند ذهن او شرطی شده است. یعنی در ذهن او قرن اکیدی بین دو چیز برقرار شده است.

الآن مقصود من هم همین است که از این مباحثه ما بین این دو روایت فضیل و زراره و ذهن شما یک جور قرن اکید و یک جور شرطیتی را حاصل کنیم. کذبوا که بر سبعة احرف است. بله، ابوحنیفه فتوا داده که نماز را فارسی بخوانید، بهخاطر همین بوده. انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة؛ از این باید چه چیزی در ذهنمان باشد تا این روایت یادمان میآید این در ذهنمان پر رنگ باشد؟

---

[1]الكافي (ط - الإسلامية) ج۲ ص ۶۳۰

[2]همان

[3]التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد (8/ 293)حدثنا أبو الطاهر قال سألت سفيان بن عيينة عن اختلاف قراءة المدنيين والعراقيين هل تدخل في السبعة الأحرف فقال لا وإنما السبعة الأحرف كقولهم هلم أقبل تعالى أي ذلك قلت أجزاك

بازبینی #3
ایجاد شده 25 آوریل 2024 12:04:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 10:04:57 توسط ... .